



هدف تشریح جهاد

۴ - ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفاً كأنهم بنيان مرصوص
خداوند کسانی را که در راه او در صف واحدی ، صفی همچون بنیانی
محکم و بهم پیوسته ، جهاد میکنند ، دوست میدارد .

گروهی از غرب زدگان که تحت تأثیر تمدن خیره کننده ماشینی و صنعتی غرب واقع شده اند ، میخواهند همه مسائل اسلامی را طبق دلخواه آنان تفسیر کنند ، بلکه به همه چیز از دریچه فکر آنان بنگرند ، گویانکه در این پیروی و تقلید نابجا فرسنگها از حقیقت دور بیفتند .

در این افراد ، عقده حقارت و خود کم بینی ، طرز تفکر خاصی بوجود آورده ، وهمگی چنین فکر میکنند: همان طوری که باید صنعت و تکنیک را از غرب بیاموزد ، همچنین باید معارف و معتقدات دینی را طوری توجیه و تفسیر کرد که در کام ملت غرب ، شیرین گردد ، و مطابق دلخواه و مورد پسند جهان غرب قرار گیرد .

این طرز تفکر ، آنان را بر این داشته است که بسیاری از معارف برجسته آئین آسمانی (اسلام) را که برای ملت مادی اروپا و آمریکا قابل هضم نیست ، بصورت ناصحیحی توجیه کنند ، تا از این رهگذر (البته بگمان خود) هم اصالت و شخصیت شرقی و اسلامی خود را حفظ کنند و هم سخنی را که در کام آنان تلخ و ناگوار است ، و احیاناً مورد اشکال و طعن قرار میگیرد ، نگویند در آئین اسلام موضوعاتی بنام ، وحی ، معجزه و فرشته و ... مطرح میباشد . وجود این حقایق نورانی با براهین محکمی در جای خود به ثبوت رسیده است ، ولی از آنجا که فرهنگ مادی اروپا ، به این موضوعات از دریچه انکار و یا شک مینگرد ، غرب زدگان ما ، حقایق نامبرده را طوری توجیه میکنند که با مقیاسات صد در صد مادی جهان غرب ، تطبیق نمایند مثلاً میگویند:

وحی جز تجلی شعور باطن و ضمیر مخفی پیامبر ، و یا جز نبوغ فکری ، نیست ، و میگویند : منظور از فرشته در تمام موارد قرآن ، همان قوای طبیعی است که بشر در طول کاوشهای خود به آن دست یافته است .

نمونه دیگر از این طرز تفکر :

جای گفتگو نیست که یکی از قوانین استوار اسلام ، که ضامن بقاء و پیشرفت آن در طول تاریخ بوده است ، همان تشریح قانون جهاد میباشد ، جهاد چنانکه در آینده تشریح خواهیم کرد گاهی جنبه دفاعی دارد ، و احياناً با شرایط خاصی جنبه تعرضی نیز بخود میگیرد ، یعنی گاهی بدون اینکه دشمن متعرض مسلمانان گردد ، رهبر مسلمانان (پس از اعلام و ابلاغ اسلام ، و روشن ساختن افکار مردم ، و اتمام همه گونه حجت عقلی و شرعی ، برای درهم کوبیدن بساط شرك ، و هدم و ویران ساختن پرستشگاه بت پرستان ، دست به حمله ابتدائی میزند ، و يك چنین حمله ابتدائی چنانکه بعداً تشریح خواهیم کرد هرگز با اصول عقلی و انسانی و قوانین جهانی مخالف نیست .

ولی برخی اصرار دارند که جهاد را فقط بعنوان يك حربه دفاعی توصیف نمایند ، و تمام جهادهای اسلامی را در دوران رسالت پیامبر و خلفاء اسلام ، مربوط به دفاع از کیان و حوزه اسلام دانسته و جهاد ابتدائی و تعرضی را بکلی منکر شوند .

اسلام هرگز آئین شمشیر نبود

طراحان این شبهه همان مبشران مسیحیند که آنرا از قانون جهاد استنتاج کرده ، و غزوات پیامبر اسلام و خلفاء را بر آن گواه آورده اند در صورتی که در آینده خواهیم گفت که وجود جهاد ابتدائی ، گواه بر آن نیست که اسلام به زور شمشیر پیشرفت کرده است ، و استنتاج چنین امری از قانون جهاد اسلام ، صدها درصد غلط میباشد و روشن خواهیم ساخت که هدف از غزوات تحمیل اسلام به مردم نبوده است ، اگر آنان چنین نتیجه غلطی را از قانون جهاد ، و غزوات پیامبر اسلام بگیرند ، جای تعجب نیست ، بلکه عجب اینجاست که طراحان این شبهه کاری جز جنك و خونریزی بایکدیگر و استعمار و چپاول نداشتند و حتی مقدسها و پاپها و تارك دنیاهاى آنها ، چنان فشار و تحمیل عقیده و انگیزیسویون بازی بر سر غیر مسیحی ، و مسیحیان معروف به انحراف وارد آورده اند که از خوشنهای تاتار و مغول کمتر نبوده است (۱)

جهاد يك امر فطرى است

اگر حیات يك موجود زنده و ساده مانند گیاه را در گرو مبارزه با عوامل زیادى بدانیم . که حیات و بقاء آنرا تهدید میکند ، اگر تعریف زیست شناس معروف فرانسوی (بیشو) را در باره

(۱) : اسلام مکتب مبارز و مولد ص ۹

زندگی بپذیریم که میگوید: حیات - مجموعه اعمالی است که برضد مرگ می جنگند، اگر مرگ و فرسودگی و میل به یک نواختی را لازمه سیر طبیعی بدانیم و پدیده حیات و هر پدیده ضد مرگ و تکامل و رشد را مخالف جریان طبیعی و بسان شنا در جهت خلاف سیر مسیر آب رودخانه تلقی نمائیم که بدون مقاومت و ابراز قدرت و تشدید اراده و فعالیت پیش نخواهد رفت در این شرایط تصدیق خواهیم کرد که هر پدیده اجتماعی و انقلاب فکری (ایدئولوژیک) بسان پدیده زنده مادی در پیدایش و بقاء خود، به تلاشهای وسیعی نیاز دارد که بدون آن ادامه وجود برای آن ممکن نیست، زیرا در انقلابهای فکری، منافع گروههایی به خطر افتاده، خواه ناخواه به معارضه و مبارزه برمیخیزند، و جنگ درگیر میشود، در این موقع جنگ به عنوان یک اصل حیاتی، که ضامن بقاء و رشد و نمو آن مکتب فکری است، تلقی میگردد.

اصولاً حساب دین از حساب یک مکتب فلسفی و یا علمی جدا است، نزاعی که یک مکتب فلسفی پیا میکند، از ادعای مناقشات لفظی و احیاناً انتقادات کتبی، تجاوز نمیکنند، ولی آئینی که میخواهد تمام نظامات پوسیده را درهم بریزد، و مراسم کهن و عقائد فاسد را زیر و رو کند، نظام نوینی را بجای عتیق بنشانند، یک چنین فکر و هدف، بدون درگیری جنگ جامعه عمل بخود نخواهد پوشید.

کدام انقلاب جهانی و منطقه ای بدون خونریزی و جنگ و نبرد به ثمر رسیده است؟ آیا انقلاب کبیر فرانسه یک انقلاب بدون جنگ بود؟ انقلاب هند کم کشته داد؟ انقلاب روسیه در برچیدن نظام کهن، بدون خونریزی صورت گرفت و استقلال آمریکا برای ملت آن ارزان تمام شد؟

نهضت راسخ و انقلاب متمرکز، در میان ملل جهان که لطمه شدیدی بر مطامع اقوام و گروهی وارد میسازد، و یا آنان را از مراسم کهن و راه و رسم دیرینه باز میدارد، طبعاً جنگ و درگیری را به دنبال دارد (۱)

نخستین چهره در اسلام

به عقیده زیست شناسان اساس حیات هر موجود زنده ای روی سه اصل استوار است:

- ۱ - استنشاق هوای آزاد و جذب غذا.
- ۲ - نمو و تولید مثل، همچنانکه می بینیم یک نهال، یک هسته، یک سلول حیوانی نمو تولید مثل مینماید.
- ۳ - دفع مضر و مزاحم و مواد زائد و تلاش و نزاع طبیعی برای بقاء این سه اصل در تمام موجودات زنده مطابق ساختمان وجودی آنها وجود دارد، ولی باید توجه کرد که رشد و نمو

(۱) : به کتاب اسلام مکتب مبارز و مولد مراجعه شود.

و بقاء يك پدیده اجتماعی از این سه اصل نیز مستثنی نیست و رسوخ و گسترش و بقاء يك واژه ، از این اصول که ضامن بقاء و حیات آنست ، بی نیاز نمیباشد .

گرچه اسلام ، به عقیده ما مسلمانان يك پدیده اجتماعی نیست ، بلکه يك پدیده آسمانی و دعوت الهی میباشد ولی در اینکه در بقاء و رشد و نمو ، از این سه اصل بی نیاز نیست ، از سایر پدیده های اجتماعی تفاوتی ندارد

زیرا وقتی هدف اسلام ، دگرگون کردن افکار و عادات ، و حقوق و امتیازات و مقامات باشد ، يك چنین انقلاب وسیع در میان تمام قشرهای اجتماع ، از تهدید گروههایی که مطامع و سود مادی آنان از طرف اسلام به خطر میافتد و با تغییر عادات دیرینه و مراسم کهن برای آنها امری مشکل و سخت میباشد مضمون نمیماند ، و خواه ناخواه مورد تعرض دسته های گوناگونی میگردد در این صورت اسلام ناچار است از اصل سوم حیات ، حد اکثر استفاده بنماید و زنجیر دفاعی خود را مستحکمتر سازد . و الا در نطفه خفه گردیده و دیری نمی باید که فروغ و گرمی آن به خاموشی و سردی میگراید .

ما این نکته اساسی را در نخستین آیه ای که درباره جهاد وارد شده بخوبی درمی یابیم ، و در آن آیه نکته تشریح جهاد همان پاسخ به تعرضات دشمنان دانسته شده و اجازه داده شده که مسلمانان از خود دفاع کنند اینک آیه :

اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا وان الله على نصرهم لقدير ، الذین اخرجوا من - دیارهم بغير حق الا ان یقولوا اننا لظالمون (حج - ۳۰ - ۴۰) یعنی به کسانی که در راه خدا جهاد میکنند ، اجازه دفاع داده شده زیرا آنان افرادی مظلوم و ستم دیده اند ، و خداوند بر نصرت آنان توانا است آنان (افراد مجاهد) کسانی هستند که بدون جهت از دیارشان اخراج شده اند ، (جرم آنان این بود !) که میگفتند پروردگار ما خدا است .

این آیه به خوبی نشان میدهد که نخستین انگیزه تشریح جهاد ، این بود که مسلمانان پس از تمرکز در مدینه از حقوق خود دفاع کنند ، و هر نوع ستم را از خود دفع نمایند . این نکته در آیات دیگری نیز منعکس است که فقط به نقل و ترجمه يك آیه اکتفا نمیائیم .
وقاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم ولا تعدوا ان الله یحب المحسنین (بقره - ۱۹۰)
با کسانی که با شما نبرد میکنند ، در راه خدا با آنان جنگ کنید ، ولی مراقب باشید که از حد تجاوز نکنید ، خدا نیکو کاران را دوست می دارد . در این دو آیه نخستین چهره جهاد برای ما نمایان گردیده و روشن میشود که فلسفه تشریح آن همان پاسخگویی به زورگویانی بود که مسلمانان را از تمام لذایذ مادی و معنوی باز داشته بودند
و در آینه به سایر مراحل تکاملی قانون جهاد خواهیم پرداخت .